

مجموعه تلویزیونی طنز «خوب، بد، زشت» را خاطرتان هست؟ سریالی که سال ۹۳ در ۱۴ قسمت روی آنتن شبکه دو سیما رفت، حالا هر شب ساعت ۱۹ از شبکه آی فیلم پخش می‌شود. در این مجموعه تلویزیونی به کارگردانی منوچهر هادی، بازیگرانی چون امین حیایی، بهاره رهنما، محمد کاسبی، شهنی تسلیمی، نیلوفر خوش خلق، سیروس مهتی، صدیقه کیانفر، حسین محب‌اهری و سوسن پیور به نقش آفرینی می‌پردازند. «خوب،

## خنده روی آنتن با «خوب، بد، زشت»

دیگر عوامل برنامه ۸۲ ساله رادیو شد

## با «قصه ظهر جمعه»

بی‌نظیر است. اگر نگاهی به تاریخچه برنامه قصه ظهر جمعه داشته باشیم به نام‌های مختلفی چون حمید عاملی، مصطفی موسوی گرم‌رودی و ... برمی‌خوریم که هر یک مدتی گویندگی این برنامه پر شنونده رادیویی را به عهده گرفتند. بعد از آن سکانداری قصه‌گویی در این برنامه به عهده محمدرضا سرشار (رضا رهگذر) شد که سال‌های طولانی راوی داستان‌ها بود و رکورد کم‌نظیری از خود بر جای گذاشت. حال سکانداری این برنامه به عهده رضا خضرائی گوینده است. از آنجا که این برنامه عمر ۸۲ ساله دارد به همین دلیل در یکی از روزها میزبان رضا خضرائی گوینده، ندا حاجی اسماعیلی تهیه‌کننده، سیما اهدایی‌وند صدابردار برنامه و جعفر دست انبویه هماهنگی برنامه شدیم و از قصه‌گویی در این برنامه و ترویج آن و قدمت دیرینه‌اش صحبت کردیم که در ادامه می‌خوانید.

برنامه‌های مختلفی را اجرا کردم اما قصه ظهر جمعه به خاطر ویژگی‌های خاصی که دارد برای خود هم دلچسب است و با شوق و ذوق سر برنامه می‌آیم و بازخوردی که می‌گیرم خیلی برایم مهم است و تلاش می‌کنم کار را بهتر اجرا کنم.

**وقتی برنامه‌ای قدمت طولانی داشته باشد دیگر می‌توان گفت جزو برنامه‌های شاخص است که سال‌ها روی آنتن رفته است. فکر می‌کنید قصه ظهر جمعه جزو برنامه‌های شاخص رادیو ایران است؟**

حاجی اسماعیلی: بوده، هست و خواهد بود.

دست انبویه، هماهنگی برنامه؛ در مورد برنامه قصه ظهر جمعه به هر قشری که مراجعه می‌کنید، مثلا سراغ سنین ۲۰ تا ۳۰ سال می‌روید از زمانی که قصه را گوش کردند برای‌تان می‌گویند و اگر سنین بالاتر مثلا ۵۰- ۶۰ سال را در نظر بگیرید، از زمان آقای عاملی یاد می‌کنند و ذهنیت خیلی خوبی برای‌شان ایجاد می‌شود. صدای آقای خضرائی هم به صدای آقای عاملی نزدیک است و وقتی صدای ایشان شنیده می‌شود، شنونده را جذب می‌کند. خاطرات‌شان را تداعی می‌کند و می‌پرسند گوینده کیست؟ این خیلی جالب است که هر فردی در هر سنی است این داستان‌ها را شنیده، جذب شده و خوشش آمده‌است. مثلا قصه طوطی و بازگان که تعریف می‌شود همه به یاد مدرسه‌شان می‌افتند که این داستان را خوانده بودند. ممکن است خاطراتی از دوران مدرسه، معلم و هم‌کلاسی‌ها به یادشان بیاید و این باعث می‌شود تماس بگیرند و تشکر کنند. زمانی در برنامه قشرهای سن بالا تماس می‌گرفتند ولی الان در سنین دیگری هستند و سن‌های پایین‌تر هستند. بنابراین برای‌شان خیلی شیرین است. کسانی که در چنین موقعیت‌هایی هستند حتما تماس می‌گیرند و پیامک می‌دهند و کمک برای نویسنده و تهیه‌کننده می‌شود و می‌گویند اگر فلان چیزها را هم بگذارید یا فلان داستان را تعریف کنید، خوب است.

خضرائی: یکی از مواردی که برای گوینده‌ها مهم است ارتباط با صدابردار است. وقتی گوینده برنامه را ضبط می‌کند چشم در چشم صدابردار است و ارتباط گوینده با صدابردار خیلی

اهمیت دارد.

**درباره صدابرداری این برنامه بگویید که چطور با بقیه هماهنگی‌های لازم صورت می‌گیرد؟**

سیما اهدایی‌وند، صدابردار: اولین بار که قصه ظهر جمعه را با صدای آقای خضرائی ضبط می‌کردیم، گفتم صدای ایشان به قدری به قصه نشسته که فکر نمی‌کنم در رادیو گوینده‌ای باشد که بتواند قصه را به این خوبی اجرا کند. خودم نه به عنوان صدابردار، بلکه به عنوان شنونده از شنیدن قصه‌ها با صدای ایشان بسیار لذت می‌برم. در سال‌های قبل در برنامه قصه ظهر جمعه با گوینده‌های پیشین ضبط داشتیم. این تیم بسیار خوب است و با هم صمیمی هستیم و این باعث می‌شود کار خیلی بهتر پیش برود و وقتی این صمیمیت در برنامه وجود داشته باشد و از لحاظ فکری آرامش باشد، قطعاً هر کس خیلی خوب می‌تواند کار خود را انجام دهد. سال‌هاست با خانم حاجی‌اسماعیلی کار می‌کنم و بسیار حرفه‌ای و خیلی راحت می‌توانم در کنارشان کار کنم.

**آیا صدابرداری با گونه برنامه متفاوت خواهد شد. به عنوان مثال اگر برنامه‌ای تم قصه‌گویی داشته باشد یا برنامه‌ای در گونه مستند باشد، صدابرداری آن تفاوت دارد؟** اهدایی‌وند، وظیفه صدابردار این است که بتواند صدا را خیلی رسا

بد، زشت» که فیلمنامه آن را بابک کایدان براساس طرحی از محسن کیایی نوشته، رویکردی طنز دارد و درباره یک لات به نام بهادر شفیع‌ی است. او عاشق خانواده‌اش است اما هر بار یک خرابکاری می‌کند. پدرش او را از خانه بیرون کرده و در زندان به سر می‌برد. بهادر به شرط پابند آزاد می‌شود اما باید تا یک ماه از محدوده مشخص بیرون نرود و هر روز ساعت ۱۲ ظهر خودش را به کلانتری معرفی کند. او عاشق یک خانم دکتر دندانپزشک

ضبط کند و با نرم‌افزاری که در اختیار دارد صدا را به خوبی ضبط کند و این‌که یک یا چند گوینده باشد خیلی فرقی نمی‌کند و وظیفه صدابردار این است که صدا را به نحو احسن ضبط کند؛ ولی احساسی که در یک برنامه دارید بسیار متفاوت است با برنامه‌های دیگری که ضبط می‌کنید و واقعا احساس خوبی دارم از این‌که چنین برنامه‌ای را ضبط می‌کنم. تمام تلاشم بر این است که بتوانم بهترین لول صدا را از ایشان به عنوان خروجی دریافت کنم و جزو وظایفم است.

**برای هماهنگی این برنامه باید چه کارهایی انجام شود و تجربه شما در این سال‌ها چطور بوده است؟**

دست‌انبویه: هماهنگی برنامه در رادیو از لحظه‌ای شروع می‌شود که روز ضبط برنامه مشخص می‌شود. روز ضبط برنامه که مشخص می‌شود از طریق تهیه‌کننده که استودیو را رزرو می‌کند صدابردار مشخص خواهد شد و تهیه‌کننده و سردبیر برنامه که روز ضبط را تعیین می‌کند باید با گویندگان هماهنگ شود و باید هرکس در موقع مشخص در استودیو حاضر شود تا کار انجام شود. به عنوان مثال اگر گوینده برای آمدن وسیله‌ای نیاز دارد باید از طریق ترابری سازمان که وظیفه این کار را دارد هماهنگی‌ها صورت گیرد و باید به آنها اعلام شود که در کدام استودیو است. هماهنگی در برنامه‌هایی که نقراتش کم است و یک گوینده دارد خیلی راحت‌تر است.

**اگر بخواهید این برنامه را با برنامه‌های دیگر مقایسه کنید چه تفاوت‌هایی دارد؟**

دست‌انبویه: باتوجه به این‌که در دو برنامه که قدمت دارد کار می‌کنم، باید بگویم ارتباطی که شنونده در وسط برنامه می‌گیرد خیلی فرق دارد؛ مثلا قشر خاصی که روی برنامه رادیو حساسند، امکان دارد روی برنامه‌هایی تعصب زیادی داشته باشند و حتی اگر یک کلمه اشتباه خوانده شود یا قصه‌ای تغییر پیدا کرده باشد یا اگر از آب و تابش افتاده باشد، مطمئن باشید تماس می‌گیرند و اگر نتوانند فرد هماهنگی در ارتباط برنامه در تایم برنامه پیدا کنند به پخش یا واحد ارتباطات زنگ می‌زنند و آنها را پیدا می‌کنند و نظرات‌شان را می‌گویند و ممکن است گله کنند و اگر برنامه افت کرده باشد، شکایت می‌کنند. شنندگان عام و شنندگان با حوصله و باسواد و استاد دانشگاه، نویسنده و ناشر داریم و باید با همه اینها با حوصله صحبت کنیم تا راضی باشند و اگر راضی نباشند به سراغ مدیر شبکه و معاون صدا می‌روند.

**آقای خضرائی شما سال‌هاست در رادیو به گویندگی مشغول هستید. وقتی قرار شد گوینده قصه ظهر جمعه باشید به چه عواملی توجه کردید که کار را بپذیرفتید؟ می‌خواهیم بدانیم چه عواملی برایتان جذابیت داشت که کار را بپذیرفتید؟**

خضرائی: سال‌ها برنامه‌های گوناگون را گویندگی کردم اما بیشتر برنامه‌ها ادبی، هنری و مذهبی بودند که اجرا کردم. علاقه‌مندی خودم به ادبیات است. وقتی به من پیشنهاد شد گویندگی این برنامه را عهده‌دار شوم، بررسی‌هایی شده بود چون مدتی این برنامه تکراری

می‌شود که در خیابان وقتی عده‌ای مزاحمش شده بودند، بهادر یک کتک حسابی به ایشان زده و حالا در تلاش است تا خانواده‌اش را راضی کند پرایش به خواستگاری بیرون. او دارای سه خواهر به نام‌های بهاره، بهنوش و سوسن است و پدرش حسین‌آقا در آموزشگاه رانندگی کار می‌کند و صاحب آبرو و اعتبار هستند. بهادر با کمک داییش‌اش که از لات‌های قدیمی تهران بوده در پی جلب رضایت خانواده قدم برمی‌دارد.



پخش می‌شد و گوینده‌های مختلف را در ژانرهای گوناگون بررسی کرده بودند. باتوجه به این‌که من در رادیو فرهنگ مدتی قصه شب را می‌گفتم و در رادیو تهران برنامه‌هایی داشتم که حالت روایت قصه داشت، کسانی که بررسی کرده بودند به این نتیجه رسیدند که می‌توانم در این زمینه کمک کنم و آقای دکتر گودرزی که از اشعاران بسیار خوب معاصر هستند و مسئولیت گروه را در رادیو ایران به عهده دارند با من تماس گرفت و در جلسه‌ای خدمت‌شان رسیدم، خوشحال شدم و استقبال کردم؛ هم به دلیل این‌که سال‌ها شنونده این برنامه بودم و هم با توجه به این‌که آقای دکتر گودرزی پیشنهاد گویندگی این برنامه را دادند. پذیرفتم و بعد در جلسه‌ای که با آقای دکتر محمدزاده، مدیر رادیو ایران داشتم، ایشان هم با توجه به این‌که دکترا ادبیات هستند و چند کتاب در زمینه شاهنامه دارند و به ادبیات کهن بسیار مسلط هستند پیشنهاد کردند که در این زمینه بیشتر کار کنیم. اکنون چند سال است که در رادیو ایران در خدمت دوستان هستم و خوشحالم که این برنامه همچنان ادامه پیدا کرده و امیدوارم سال‌های سال تداوم داشته باشد و پس از من هم کسانی خواهند بود که این برنامه را گویندگی کنند و شنندگان عزیز رادیو ایران استفاده کنند.

**قصه‌گویی یک تخصص و مهارت می‌خواهد و باتوجه به این‌که هر قصه‌ای تفاوت می‌کند و مخصوصا الان که متون کهن است و از مشاهیر و کسانی هستند که در ادبیات‌مان تاثیر گذاشتند از چه راهکاری بهره می‌برید تا بتوانید قصه را با مفهوم و مضمونی که دارد برای نوع مخاطبی راحت‌تر روایت کنید؟**

خضرائی: در حال حاضر که قصه‌های مثنوی را روایت می‌کنیم، خودم با مثنوی آشنا هستم و سال‌های سال در بخش‌های مختلف رادیو ایران و کلاس‌هایی که بودم و دیگر جلساتی که داشتم مثنوی خوانی داشتم و کاملا آشنا هستم. ضمن این‌که قصه‌های مثنوی را می‌شناسم. خواندن مثنوی آسان نیست و سعی می‌کنم خوب و درست بخوانم. من با مولوی ارتباط ویژه‌ای دارم؛ هم با غزلیات شمس، هم با فیه‌مافیه و هم با مثنوی و در نتیجه این ارتباط هست و با حکایت‌های مثنوی آشنا هستم. سال‌های سال خواندم و درباره‌شان صحبت کردم. لذا وقتی یک حکایت مثنوی را می‌خوانم، این ارتباط را با متن دارم و آشنا هستم. همیشه به دوستانم می‌گویم به‌خصوص در خواندن شعر اگر معنی شعری را متوجه نشدید اصلاً آن را نخوانید؛ به این دلیل که اگر متوجه نمی‌شوید، اصلاً نمی‌توانید به مخاطب منتقل کنید. اگر در این زمینه موفقیتی حاصل شده به این دلیل است که با متون کهن آشنا هستم و همیشه به دوستانم پیشنهاد می‌کنم که از متون کهن غافل نشوند و به گویندگانی که می‌آیند و جوان‌تر هستند دوستانه می‌گویم گلستان، بوستان، شاهنامه و مثنوی بخوانند و اگر جایی مشکل دارند به جاهای گوناگون رجوع کنند و می‌شود معنای کلمات و تلفظ درست‌شان را پیدا کرد. کتاب‌های بسیار زیادی نیز در این زمینه وجود دارد. به دلیل آشنایی که دارم فکر می‌کنم در ارائه مطلب و حکایت و قصه موفق بودم.

**شما که کار نویسندگی و تهیه‌متون را انجام می‌دهید برای این‌که آنها را به گونه‌ای برای مخاطبان آماده کنید که برای‌شان قابل لمس باشد از چه راهکارهایی بهره می‌برید؟**

حاجی اسماعیلی: پروسه‌اش طولانی است و قبلاًش با آقای خضرائی مشورت می‌کنم که دفعه بعد چه داستانی را بیاورم اما چون مثنوی و مخصوصا دفتر دو و شش را مطالعه داشتم، اندکی به حکایت‌هایش اشراف بیشتری دارم؛ حکایت‌هایی که بیشتر استفاده شدند مثل حکایت طوطی و بازگان. درست است برای افراد نوستالژی است ولی نوع گفتار آقای خضرائی و خوانش آن اشعار می‌تواند برنامه ما را متمایز کند. برنامه ما علاوه بر این‌که قصه خوانی است، یک شعرخوانی آن هم به روش صحیح است و می‌توانم بگویم یک کتاب صوتی است و یک مثنوی کوچک است که کم‌کم داستان‌هایش کامل می‌شود. پروسه انتخاب قصه، زمان زیادی می‌برد؛ چون هم انتخاب قصه خیلی مهم است و هم این‌که بعدش باید بتوانم آن را از تصحیح‌های مختلف بردارم و ساده‌نویسی‌اش برای یک مخاطب عام کار را سخت می‌کند و زمان‌بر است و زمان زیادی از ما می‌گیرد.

خضرائی: از شما و همکاران‌تان در روزنامه جام‌جم تشکر می‌کنم که این فرصت را به ما دادید و از شنندگان خوبی که با ما همراه و همدند و باعث می‌شوند با دقت و وسواس بیشتر، این برنامه را هر چه بهتر ارائه دهیم سپاسگزار می‌کنم.

حاجی اسماعیلی: از همکاران عزیز تشکر می‌کنم، برای این‌که برنامه را جلو ببریم، یک گروه رفیق و خوب داریم مثل آقای خضرائی که بدانه و عاشقانه با برنامه پیش می‌روند. خوشحالم که در کنارشان هستم و از آقای گودرزی مدیر گروه و آقای دکتر محمدزاده مدیر شبکه تشکر می‌کنم. آقای شهاب شهرزاد چند قسمت برایمان تهیه قصه کردند و قصه‌های خارجی را ایرانیزه کردند. در مجموع ۸۰ تا ۹۰ درصد متن‌ها کار خودم است.

جام جمه

۹

رسانه

MEDIA

شنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۱

شماره ۶۳۴۷

### زاویه دید

نگاهی به برنامه قصه‌گو

### قرار جمعه رادیو با مردم



زینب علی‌محمدرضائی گروه رسانه

متولد هر سالی که باشید و به هر دهه‌ای تعلق داشته باشید، روزهای جمعه با برنامه «قصه ظهر جمعه» خاطره دارید. البته نسل ما یعنی بچه‌های دهه ۵۰ و ۶۰ این برنامه را با صدای محمدرضا سرشار می‌شناسد. گوینده‌ای که مدت زیادی داستان‌های جذابی را برای نسل ما روایت می‌کرد. این برنامه از سال ۱۳۱۹ یعنی درست یک ماه بعد از تأسیس رادیو ایران تا به امروز پخش می‌شود و عنوان قدیمی‌ترین برنامه رادیو ایران را از آن خود کرده است. قصه ظهر جمعه را می‌توان از معدود برنامه‌های موفق رادیویی دانست که با چند نسل ارتباط برقرار کرده و بین اغلب شنونده‌های رادیو محبوبیت دارد. البته در طول این سال‌ها تغییرات و به دلایلی توقف‌هایی داشته، با این حال هنوز هم شنونده‌های خودش را دارد. آن‌هم در عرصه‌ای که تکنولوژی پیشرفت کرده و رسانه‌های سرگرم‌کننده بسیاری وجود دارد. با این حال هنوز هم قرار جمعه رادیو با مردم بایر جاست. چون قصه‌ها و حکایت‌هایی که در این برنامه روایت می‌شد آن‌هم با صدای متحصربه‌فرد گوینده‌های پیشکسوت رادیو به قدری جذاب و شنیدنی بود که می‌شد با شنیدنش تمام وقایع و اتفاقات را در ذهن بازسازی و تجسم کرد. به‌خصوص با صدای محمدرضا سرشار که این اواخر راوی سریال «مستوران» نیز بود و صدایش در این سریال، مخاطب را به سال‌های دور رادیو می‌برد.



اما قصه ظهر جمعه چطور شکل گرفت؟ این برنامه ۸۲ سال پیش روی آنتن رفت و در این سال‌ها مجریان مختلفی از جمله مصطفی موسوی گرم‌رودی و ... داشت که هر یک از چند ماه تا حداکثر پنج سال، گویندگی این برنامه پرشنونده رادیویی را بر عهده گرفتند.

البته یکی از قصه‌گوهای پرباشه این برنامه محمدرضا سرشار از ۲۲ بهمن ۱۳۶۰ تا ۱۵ مهرماه ۱۳۸۴ راوی داستان‌ها بود و می‌شود گفت در این زمینه رکورد دار است. قصه ظهر جمعه در دهه ۶۰ از برنامه‌های بسیار برطرف‌دار رادیو بود. براساس یک نظرسنجی سازمان صداوسیما ی ایران، این برنامه در سال ۱۳۶۳ دومین برنامه پرشنونده رادیو بعد از صبح جمعه با شما شناخته شد. تا آنجا که بسیاری از دولتمردان و مسئولان وقت نظام از شنودگان آن بودند. ضمن این‌که این برنامه در بین رزمندگان جبهه‌ها هم محبوبیت داشت. به‌همین دلیل این برنامه توانست اعتبار و مخاطبان بسیاری داشته باشد.

پس از پاییز سال ۸۴ و تعطیلی برنامه قصه ظهر جمعه در چند مرحله این برنامه رادیویی توسط گویندگانی همچون مریم نشیبی، علی‌عابدی و امیرحسین مدرس برای شنودگان رادیو پخش شد اما از آنجا که این برنامه در ذهن مخاطبان با صدای گرم و ساده محمدرضا سرشار نقش بسته بود گویندگی این گویندگان توانمند هم دیری نپایید. سرانجام از سال ۱۳۹۵ مقرر شد که بازپخش برنامه‌های قدیم قصه ظهر جمعه با صدای محمدرضا سرشار از رادیو پخش شود. احیای دوباره این برنامه در این سال‌ها اتفاق خوشایندی برای شنونده‌ها و همراهانش است. آن‌هم در شرایطی که مردم به رسانه‌های مختلفی دسترسی دارند، با این حال قصه ظهر جمعه هنوز هم برنامه موفق و پرشنونده‌ای برای نسل امروز است.

### نوستالژی



### سرشار از قصه‌های شنیدنی

**«قصه ظهر جمعه» از زمانی که روی آنتن رفت، تا امروز و با تمام فراز و فرودهایش چند گوینده با خود همراه کرده که شاید مشهورترین آنها محمدرضا سرشار باشد. سرشار که به تازگی صدایش را به عنوان راوی سریال «مستوران» شنیدیم، لحنی خاص در قصه‌گویی دارد و برای ۲۴ سال راوی داستان‌های این برنامه بود. این راوی که به رضا رهگذر هم معروف است، به فعالیت‌هایی چون نویسندگی، پژوهشگری و نقد ادبی نیز اشتغال دارد.**



توئیت‌ها را اسکن کنید

### نمایش

### قصه‌های خوب برای شنونده‌های خوب

بیش از یک دهه است که با نمایش‌های رادیو نمایش همراه هستیم، شبکه‌ای که هنرمندانش با شیوه قصه‌گویی منحصر به فردشان، داستان‌های جذابی را برای ما روایت می‌کنند. داستان‌های شنیدنی که با صدای هنرمندانه بازیگران رادیو

در ژانر نمایش شنیدنی‌تر هم می‌شود. رادیونمایش در این مدت برای مناسبت‌های مختلف هم برنامه‌ریزی داشته و متناسب با اتفاقات مهم تاریخی داستان‌های شنیدنی را برای همراهانش روایت می‌کند. از نمایش‌های کوتاه رادیویی گرفته تا نمایشنامه‌های بلند که هر کدام مخاطبان خاص خودش را دارد. این شبکه از سال ۱۳۹۰ که راه‌اندازی شد تا به امروز هم برای علاقه‌مندان به نمایش جذاب بوده و هم برای دوستانان قصه و قصه‌گویی. پس اگر تا به امروز موفق به شنیدن نمایش‌های این شبکه رادیویی نشده‌اید، می‌توانید رادیو خود را از همین الان روی موج رادیو نمایش تنظیم کنید و از شنیدن نمایشنامه‌های جذاب با صدای هنرمندانش لذت ببرید. نمایشنامه‌هایی که معمولا با صداهای شناخته شده هنرمندانی روایت می‌شود که گاهی نقش آفرینی‌های‌شان در قاب تصویر را هم به تماشا نشستیم.

